

عرصه‌های فراغتی و فرصت‌زایی برای نقش‌آفرینی اجتماعی زنان (مطالعه موردی: عصر صفویه در ایران)

طاهره رحیم‌پور ازغدی^۱
مهدی کرمانی^۲

چکیده

مسئله تفریح و سرگرمی به عنوان حوزه‌ای مهم از تجربه زیسته انسانی، همواره مورد توجه محققان و جامعه‌شناسان بوده است. برخی از محققین معتقدند سبک گذران اوقات فراغت در هر جامعه‌ای، ریشه در هویت ملی مردم دارد و تحت تأثیر فضای‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر آن جامعه، دستخوش تغییرات است. با توجه به اینکه ظهور دولت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق) در ایران، زمینه‌ساز تحولات مهم اجتماعی بوده است، سوال اصلی پژوهش این است که تحولات مذکور چه انعکاسی بر الگوی گذران اوقات فراغت زنان داشته و این نحوه گذران، متضمن چه پیامدهایی بوده است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بر پایه منابع تاریخ اجتماعی و سیاسی، به بررسی فعالیت‌های فراغتی زنان در عصر صفوی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد به دلیل وجود امنیت اجتماعی، رفاه اقتصادی و نیز توسعه مراکز تفریحی و ترویج مراسم عمومی توسط دولت صفوی، زنان نه تنها از تنوع و تعدد تفریحات بهره‌مند بوده‌اند که زمان بیشتری را در مقایسه با گذشته صرف اوقات فراغت می‌کردند. به همین دلیل، زنان شرایط مساعدتری برای نقش‌آفرینی در عرصه‌های عمومی پیدا کردند که در مسیری تاریخی، به ارتقای قابلیت‌های آنان برای حضور در موقعیت‌های ساختاری مطلوب‌تر در میدان‌های اجتماعی مختلف، منجر شده است. لازم به ذکر است گزارش‌هایی از تفریحات ناسالم در ارتباط با معدودی از زنان نیز بیان شده است.

واژگان کلیدی: زنان، عصر صفوی، اوقات فراغت، مراسم مذهبی، سرگرمی.

۱. دانش‌آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه نرجس علیها السلام مشهد، دکتری الهیات و معارف اسلامی و استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول): rahimpoor@um.ac.ir.
 ۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد توسعه و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران: m-kermani@um.ac.ir.
- تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۶

مقدمه

بررسی کمی و کیفی مقوله تفریح و سرگرمی، از منظر تاریخی و جامعه‌شناسی، حائز اهمیت است؛ زیرا تبیین این مسئله، نه تنها در شناخت حیات فرهنگی و اجتماعی مردمان موثر است که سویه‌های زیادی از واقعیت‌های زندگی را بازنمایی می‌کند.

سرگرم‌شدن به فعالیت‌های غیر اجباری، یکی از نیازهای انسان است که سبب افزایش عمر، کارایی، سلامتی و آرامش فکری و درونی خواهد شد (شولتز، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). مشغولیت‌های تفریحی، افزون بر تولید تنوع می‌تواند از کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نیز برخوردار باشد. به عبارت دیگر، فعالیت‌های فراغتی وابسته به هویت ملی یا مذهبی، به تدریج به یک نماد فرهنگی یا دینی تبدیل می‌شوند.

در عصر صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق) به دلیل پیوند هویت‌های ملی و مذهبی، مراکز تفریحی و برگزاری آیین‌های ملی و مذهبی توسعه یافت و زمامداران برای حفظ ثبات اجتماعی و جلب رضایت‌مندی عمومی، سیاست پاسخگویی به این نیاز را در همه اقشار جامعه در پیش گرفتند. (طاهری، ۱۳۵۴، ص ۲۲۴)

در این میان، هرچند حضور زنان در موقعیت‌های رسمی و عرصه‌های عمومی، به عنوان عاملان فعال، پذیرفته نبود، اما رونق‌یابی عرصه‌های عمومی فراغتی و فعالیت‌های جاری در آن، شرایط ویژه‌ای را برای شکل‌گیری حیات اجتماعی زنان رقم می‌زد. هدف از این پژوهش، توصیف نحوه گذران اوقات فراغت زنان در عصر صفویه و روند تحول‌یابی آن است تا بر پایه آن، نسبت بین حضور در عرصه‌های فراغتی با تحول در نقش‌آفرینی اجتماعی زنان مشخص شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات تاریخی در حوزه فعالیت‌های فراغتی زنان در ایران، چندان پربار نیست، اما در دوره‌های متاخرتر، نمونه‌های جالبی به چشم می‌خورد.

سمیه سادات شفیعی در مقاله «نگاهی جامعه‌شناختی به فراغت زنان در عصر قاجار» در

شماره ۶۶ فصلنامه علوم اجتماعی، به فعالیت‌های فراغتی داخل منازل (دورهم‌نشینی‌ها) و عرصه‌های عمومی (بازارگردی) زنان در عصر قاجاریه پرداخته است. چندوجهی بودن و تنوع درون‌متنی این فعالیت‌ها، از نکات مورد نظر این مطالعه است.

احمد پوراحمد و فاطمه سالاروندیان در تحقیق خود با عنوان «روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تا کنون در شهر تهران»، در نشریه زن در توسعه و سیاست، توجه ویژه‌ای به موضوع جنسیت در تقسیم‌بندی‌های موجود از فضاهای فراغتی زنان صورت داده‌اند. این بررسی، افزایش مداوم حضور زنان در فضاهای عمومی برای گذران فراغت همچون سالن‌های ورزشی و پارک‌های بانوان را در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد. سکینه دنیاری در مقاله «وضعیت اجتماعی زنان در عهد صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان» در شماره ۳ فصلنامه جندی‌شاپور نیز در بررسی وضعیت اجتماعی زنان عصر صفوی، به عمده سرگرمی‌های زنان در قالب فعالیت‌های هنری یا تولیدی در محیط خانه یا در مناطق روستایی پرداخته است.

فاطمه دهقانی و دیگران در مطالعه «سیر تحول اوضاع اجتماعی و فرهنگی زنان در عصر صفوی و قاجار» در کنفرانس بین‌المللی معماری؛ افق‌های آینده، نگاه به گذشته، در سال ۱۳۹۴ نیز نمونه‌های دیگری از تفریحات زنان در اصفهان عصر صفوی مانند جشن‌های عمومی و بازارگردی‌های اختصاصی را بیان کرده‌اند.

در مجموع، می‌توان ادعا کرد سهم عمده‌ای از مطالعات صورت‌گرفته، نگاهی ایستا به حضور زنان در حوزه‌های فراغتی و عرصه‌های اجتماعی در دوره‌های تاریخی مورد نظر داشته‌اند. چنین بررسی‌هایی، با وجود ارزش توصیفی و زمینه‌ای قابل توجه، در تبیین مسیر تحول در کنشگری‌های زنان در جامعه ایرانی، تا حدی دارای کاستی هستند. بنابراین می‌بایست با اتخاذ چشم‌اندازهایی متفاوت، تلاش کرد تا پویایی‌های حاکم بر زیست اجتماعی زنان در دوره‌های تاریخی را نیز به فرایند بررسی وارد ساخت تا از این طریق، درک روشن‌تری از زمینه‌های تاریخی تحولات جامعه ایرانی در زمان حال و آینده فراهم آید.

۲. چارچوب مفهومی

فراغت، عموماً در تمایز با کار و جریان اصلی زندگی ادراک می‌شود. هرچند در اعصار مختلف حیات اجتماعی می‌توان صورت‌هایی از فعالیت‌های مفزح را شناسایی کرد که به ادراک امروزی از فعالیت‌های فراغتی نزدیک باشد، اما باید در نظر داشت که صرفاً در دوران مدرن و در جدایی تمام عیار کار از زندگی شخصی است که فراغت به مثابه فرصتی فردی شده برای فاصله‌گیری از جریان اصلی و روتین شده زندگی یا محوریت کار موضوعیت می‌یابد (هریس، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر، در جامعه سنتی، آنچه به عنوان فعالیت‌های سرگرمی بخش مطرح می‌شود، عملاً بخشی از جریان یکپارچه زندگی به حساب می‌آید و در نتیجه، درک مستقل از آنها به عنوان اموری جدا از سایر فعالیت‌ها، دشوار به نظر می‌رسد.

به طور کلی برای دریافت مورد نظر از فعالیت‌های فراغتی در دوران پیشامدرن، می‌توان مجموعه معیارهایی را لحاظ کرد که محوری‌ترین آنها، جریان‌یابی جمعی، داوطلبانه و غیر اقتصادی بودن فعالیت‌های فراغتی است. این فعالیت‌ها معمولاً به لحاظ زمانی، منعطف، بسیط و به صورت متناوب، جریان می‌یافته‌اند. همچنین ظرفیت درهم‌آمیزی قابل توجهی در فعالیت‌های مذکور، قابل مشاهده بوده است. به بیان دیگر، در هر زمان و مکان معین، نه یک فعالیت واحد، که ترکیبی از کنش‌های فراغتی، امکان رخداد داشته‌اند که دامنه‌ای از مخاطبان با ویژگی‌های تقریباً همخوان را دربرمی‌گرفته است.

دریافت دورکیم از تقسیم کار مکانیکی (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که صورت‌های نه چندان پیچیده از تمایزیابی بین فعالیت‌ها در واحدهای مختلف در یک جامعه پیشامدرن، شرایطی را رقم می‌زند که اختلاط میان عرصه‌های مختلف زندگی و فعالیت‌های گوناگون را فراهم می‌آورد؛ به طوری که مرز بین یک وظیفه و کارکرد با وظیفه یا کارکرد دیگر چندان واضح نیست.

مجموعه‌ای از نظریه‌ها (بوردیو، ۱۳۹۵؛ جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸ و ریتزر، ۱۳۹۳) در باب سرمایه فرهنگی و ذائقه عاملان اجتماعی در میدان‌های مختلف نیز ایده‌های تحلیلی مناسبی برای فهم پدیده‌های فراغتی فراهم می‌آورند. در یک جامعه سنتی، که منطق اغلب میدان‌های

اجتماعی، آکنده از سوگیری‌های مردسالارانه است، عرصه‌های عمومی و ذائقه عاملان اجتماعی در باب شیوه‌های مطلوب سرگرم‌شوندگی، طوری شکل می‌گیرد که تضمین‌کننده منافع بازی‌گردانان اصلی میدان‌های مذکور باشد. در چنین شرایطی، فراغت زنانه، امری حاشیه‌ای و عارضه‌ای انگاشته خواهد شد که باید در خارج از قلمرو حضور و دیدرس مردان جریان یابد.

در هر حال، فهم از فراغت و شیوه‌های تحقق آن، در پیوندی تمام عیار با زمینه اجتماعی و فرهنگی قرار دارد که بر پایه آن تعریف می‌شود (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰ و فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲). ازاین‌رو با مراجعه به آن می‌توان تا حدود زیادی، سبک زندگی سوژه‌های اجتماعی مورد نظر را شناسایی کرد. علاوه بر این، فراغت عرصه‌ای برای اجتماعی‌شدن و تبادل اندوخته‌های تجربی در راستای پیشبرد زندگی است. ازاین‌روست که محققان و نظریه‌پردازان مختلف، بر اهمیت فعالیت‌های فراغتی در تکامل حیات فردی و اجتماعی آحاد جامعه تاکید داشته‌اند.

پژوهش حاضر قصد دارد گزاره‌های تاریخی مربوط به سبک تفریح زنان صفویه را با رویکرد جامعه‌شناسانه بررسی کند تا مبتنی بر مسئله‌یادین اجتماعی و نسبت بین آنها، منطق حاکم بر آنها و عادت‌واره‌ها، درکی منسجم از روند تحول حیات اجتماعی زنان صفویه و دوره‌های بعد از آن تبیین گردد. به مفهومی دیگر، تبیین سبک تفریح و سرگرمی بانوان به عنوان نیمی از جمعیت ایران عصر صفوی می‌تواند زمینه شناخت بهتر زوایای حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه این دوره را فراهم سازد و بازخوانی الگوی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در دوره معاصر را میسر کند. از این رهیافت می‌توان رابطه معنادار بین سیاست‌های مذهبی و مقوله تفریح عمومی را در چارچوب حوزه مسائل اجتماعی به قضاوت نشست. افرون بر مسئله تفریحات، هویت فرهنگی و ملی ایرانیان را نیز بازنمایی کرد.

چنان‌که بوردیو نیز مدعی است میدان، محدوده‌ای است که منطق خاص خود را دارد و عاملان اجتماعی باید قوانین آن را پذیرفته باشند. وی عادت‌واره را تمایلات انتظام‌یافته‌ای می‌داند که شخصیت کنشگر را در فرایند تعامل با دیگران شکل می‌دهد؛ بدین ترتیب، سرمایه

فقط در ارتباط با یک میدان، کارکرد دارد. میدان را می‌توان به مثابه یک شبکه تعریف کرد که در آن، کنشگران، اشکال مختلف سرمایه را در اختیار دارند. (بورديو، ۱۳۸۸، ص ۴۴)

۳. روش پژوهش

این مطالعه به روش اسنادی و مبتنی بر تکنیک تحلیل محتوای کیفی (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰) انجام شده است. بدین منظور ابتدا با مراجعه به سفرنامه‌ها، آثار موضوعی و تاریخ‌نگاری‌ها، بر اساس کلیدواژه‌هایی از قبیل سرگرمی، تفریح، زنان، فراغت و فعالیت‌های جمعی، جستجوی درون‌متنی شکل گرفت و مجموعه‌ای از گزاره‌های معرف برای شیوه‌های گذران و پراساختن اوقات آزاد زنان در دوره صفویه از اشتغالات روزمره درون خانگی تا عرصه تولید، فراهم آمد. سپس مدعیات حاصل، حول محور پنج کلان‌گزاره، تلخیص، صورت‌بندی و تحلیل شد. در نهایت، مبتنی بر مجموعه شواهد، تحلیلی یکپارچه از حضور زنان در عرصه‌های فراغتی و نسبت آن با نقش‌آفرینی‌های اجتماعی ایشان در این زمانه صورت گرفت.

۴. موقعیت اجتماعی زنان در عصر صفویه

برای فهم پایگاه اجتماعی زنان در یک دوره تاریخی، باید ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و سبک زندگی آنان را مورد بررسی قرار داد. (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲)

ایرانیان، قبل از ظهور دولت صفویه، از نظر سیاسی، یکی از پرتنش‌ترین و بی‌ثبات‌ترین دوره‌های تاریخ میانه را تجربه کرده‌اند. در طول حکومت ترکمانان، به علت وقوع جنگ‌های داخلی و خارجی و اوضاع ناپایدار اجتماعی، دولت فرصت پرداختن به تفریحات مردم را نیافت. در این میان، تفکر مردسالارانه حاکم بر جامعه نیز بر درد و رنج زنان ترکمن می‌افزود؛ چنان‌که سعدی می‌سراید:

ز بیگانگان چشم زن کور باد
چو بیرون شد از خانه در گور باد

بدین ترتیب، برای همه زنان، فعالیت‌های اجتماعی ممکن نبود و فقط بانوان وابسته به نهاد قدرت، فرصت‌هایی آن هم محدود برای مشارکت‌های آموزشی و اجتماعی داشتند مانند

عفتی و اوراق سلطان بیگم که در شعر و ادبیات درخشیدند. (رجبی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸)

این فرهنگ (مردسالاری)، پس از ترکمانان، در عصر صفویه نیز استمرار یافت، چنان‌که فقط تعداد انگشت‌شماری از زنان همچون: پری‌خان خانم (خواهر شاه طهماسب) و زینب بیگم (عمه شاه عباس) در امور سیاسی دخالت می‌کردند. (طاهری، ۱۳۵۴، ص ۲۳۶)

زنان جامعه صفوی از حیث قشربندی اجتماعی، در دو دسته شهری (حدود ۱۵ درصد) و روستایی - عشایری (بیش از ۸۵ درصد) جای می‌گیرند که شهری‌ها، خود به طبقه اشراف - درباری، قشر متوسط و یک اقلیت فرودست شهری تقسیم می‌شدند. زنان متوسط شهری علاوه بر کار خانگی (آشپزی، نظافت) و بچه‌داری، به هنرهای دستی همچون قالی‌بافی، گلیم‌بافی، خیاطی و... اشتغال داشتند (حجازی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳)، اما زنان در روستا، علاوه بر خانه‌داری و مراقبت از فرزندان، در کنار همسران خود به دامداری، کشاورزی و تولید فرآورده‌های لبنی مشغول بودند (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹). دراین میان، درباره وضعیت زنان قصر، گزارش‌های متفاوتی وجود دارد.

کمپفر، زنان قصر را اهل هنر بافندگی، نقاشی، ریسندگی و موسیقی می‌داند (کمپفر، ۱۳۶۰، ص ۲۲۷) و سانسون، از آموزش ریاضیات، ادبیات و تاریخ به آنها می‌نویسد (سانسون، ۱۳۷۷، ص ۷)؛ اما شاردن آنان را به بیکاری و سرگرمی، بخور و خواب، دلخوشی به تنباکو، شرکت در مهمانی‌ها و علاقه به تجملات، متهم می‌نماید. (شاردن، ۱۳۴۵، ص ۳۹۱)

دلاواله در مورد محدودیت‌های آنان می‌نویسد: اشراف‌زادگان کمتر از خانه بیرون می‌رفتند و بازدیدهای آنان، بیشتر در شب اتفاق می‌افتاد. آنان در کاروان‌هایی کاملاً پوشیده، درحالی‌که صد سوار جلوتر و صد سوار پشت سر آنها، اطراف را قرق می‌کردند، در شهر تردد می‌کردند و اگر کسی حتی اشتباهی به آنها نزدیک می‌شد، او را می‌کشتند؛ زیرا این کار نوعی اهانت تلقی می‌شد.^۱ (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۹۷)

۱. اگر زن، مشخصه بود، خواجه‌سرانی افسار شتری را در دست دارد و اشخاص را به عقب‌کشیدن و دورشدن از بانوی خود وامی‌داشت، چنان‌که هیچ‌کس نمی‌تواند چنین زنی را نگاه کند. و اگر کسی رعایت نکند، جان خود را از دست می‌دهد. این کجاوه، یک صندوق چوبی به طول سه و عرض دو و ارتفاع یک پا با پوشش سقفی طاق‌مانند از چند تخته یا لوحه چوبی است. (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۲۷۷)

در مقابل، زنان طبقه پایین، در برقراری ارتباط‌های اجتماعی، آزادتر بودند و با لباس‌های پوشیده و محلی به تماشای نمایش‌های دسته‌جمعی می‌رفتند. گاهی نیز زنان طبقات بالا، با لباس مبدل و ناشناس در جمع آنان مشاهده می‌شدند. (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۱۳۱)

سطح تقیّدات مذهبی شاهان، یکی از عوامل مؤثر در میزان حضور اجتماعی زنان بود؛ چنان‌که شاه طهماسب اول، حتی زنان پیر و مسن را از شرکت در مراسم عمومی (معرکه قلندران) محروم کرد، ولی شاه عباس اول مکان‌هایی از شهر را به مراسم زنان اختصاص داد. وی از سال ۱۰۱۸ ق دستور داد روزهای چهارشنبه هر هفته، گردش در چهارباغ و سی‌وسه پل اصفهان، منحصر به زنان باشد تا بدون نقاب در آن مکان‌ها تماشا و تفریح کنند. (ملاجلال، ۱۳۶۶، ص ۳۶۱ و فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۵۴)

مسئله تعدد زوجات، یکی دیگر از مشکلات زنان، به‌ویژه قصرنشینان بود. در قصر، مردان قادر بودند هر زن جوان و زیبایی را تصاحب کنند (آصف، ۱۳۷۰، ص ۸۲). هر از گاهی شاه عباس دستور می‌داد زنان اصفهان در بازار جمع شوند تا زیباترین آنها، برای حرمسرا انتخاب شوند (شرلی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۵۴۹). ازاین‌رو، طبقه زنان حرمسرا در این عصر فربه گردید.

در حرمسرا، زنان دارای موقعیت‌های متفاوتی بودند. زنان جوان زیبارویی که قابلیت باروری داشتند، به‌عنوان همسر شاه انتخاب می‌شدند و پیران و زشت‌رویان، در رده خدمتکاران قرار می‌گرفتند. خواجهگان اخته نیز حرمسرا را اداره می‌کردند (طاهری، ۱۳۵۴، ص ۲۱۹). حرمسرا، موقعیتی برای عیش‌ونوش شبانه‌روزی شاهان بود. (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۷۳)

نه از جور، غمگین نه از عدل، شاد

به باغ فرح‌بودنش دین و داد

(جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۲۲)

فضای حاکم بر حرمسرا، مشحون از ترس و ناامنی و سرخوردگی بود و مردان، حق معاشرت با اندرونی را نداشتند. نقل شده وقتی ملا طاهری نایینی شاعر، عاشق یکی از دختران دربار شد، شاه عباس دستور داد لب‌های او را با انبر گداخته بسوزانند. (نصرآبادی، ۱۳۱۷، ص ۲۹۶)

به نظر می‌رسد خروج زنان از حرمسرا به علت ترس از ایجاد رابطه نامشروع، افشای اسرار سیاسی و حفظ امنیت آنان، ممنوعیت یافت. دوری از فرزندان و محرومیت‌های جنسی در

کنار محدودیت رفت و آمد، سبب رواج اعتیاد به مواد مخدر و نوشیدن مشروب در بین زنان اندرونی شد. (حجازی، ۱۳۸۱، ص ۳۲ و شجاع، ۱۳۸۴، ص ۲۲۲)

بدین ترتیب می توان گفت جامعه صفوی با آمیزه ای از جهت گیری های ساختاری مردسالارانه، به نادیده انگاری و حتی ممانعت از موقعیت یابی مستقل زنان در عرصه های مختلف اجتماعی گرایش داشت و اغلب موقعیت اجتماعی زنان، وابستگی تام به موقعیت مردانی داشت که در نظام خویشاوندی و خانوادگی، آنها را احاطه کرده بودند و به طور معمول، امکانی برای تغییردهی این موقعیت بر پایه ظرفیت های فردی زنان برقرار نبود. به عبارت دیگر در جوامع سنتی، عرصه های عمومی به نحوی سامان می یابد که تضمین کننده منافع بازی گردانان اصلی میدان های اجتماعی باشد و در واقع، با محوریت مردان در تعریف موقعیت زنان روبه رو هستیم.

۵. گردهمایی های عمومی مناسبتی و حضور زنان

درباره امکانات فراغت روزگار صفوی باید گفت ساختارهای لازم برای تأمین تفریحات عمومی، در این دوره فراهم گردید؛ چراکه از یک طرف، جامعه به دلیل وحدت سیاسی و مذهبی، از امنیت و آرامش نسبی برخوردار شده بود و از طرفی دیگر، دولتمردان با توجه به نقش مثبت مدیریت اوقات فراغت در پیشبرد سیاست های فرهنگی، گسترش تفریحات عمومی را مد نظر قرار دادند. به طوری که مناصبی همچون: مهتری، مهماندارباشی و اماکنی نظیر طاوس خانه و وقوش خانه، در قصر مورد توجه قرار گرفت و حمایت از فضاهایی چون قهوه خانه و شربت خانه ها، در صحن عمومی جامعه اهمیت یافت. (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱، ۱۴۸ و ۱۵۲-۱۵۳)

اکنون با توجه به اینکه فعالیت های فراغت، به انواع جسمانی، عملی، فکری و اجتماعی، قابل تقسیم است (دومازدیه، ۱۳۵۲، ص ۱۷)، فهرستی از برنامه های فراغت زنان عصر صفوی ارائه می گردد:

۵.۱. تجمع در میادین بزرگ

اماکنی مانند میدان نقش جهان، چهارباغ و قیصریه، فرصتی برای وقت‌گذرانی و سرگرمی‌های مردم در این عصر بود. در این گردهمایی‌ها، طبقات مختلف، از اعیان و رجال درباری تا شاعران و اهل قلم و هنرمندان، در بازی‌های مختلف، مناظرات شاعرانه، شنیدن حکایات و تماشای رقص، دور هم جمع می‌شدند. زنان نیز در کنار خانواده خود از این تجمعات عمومی لذت می‌بردند (فلسفی، ۱۳۵۳، ص ۱۳۱). به عبارت دیگر، بانوان برای حضور در این گردهمایی‌ها باید منطق خاص و قوانین حاکم بر آن را قبول می‌کردند تا از این رهیافت، میدانی برای جامعه‌پذیری و آشنایی خود با اقشار مختلف مردم ایجاد کنند.

۵.۲. چراغانی و آتش‌افروزی

آذین‌بندی شهر در این دوره، جذابیت بسیار داشت. برخی از مراسم درباری مانند جشن تاجگذاری، همراه با نمایش و سرگرمی‌های مفرح بود. در این روز، شهر آذین‌بندی می‌شد و مراسم با نقاره‌زنی و موسیقی نظامی، آغاز می‌گشت (تاورنیه، ۱۳۶۶، ص ۱۴۴). در مسابقه انتخاب شاطر (راهوار شاه) نیز تمام مسیر با گل‌های زیبا تزئین می‌شد. (ریاحی، ۱۳۶۸، ص ۲۲ و شاردن، ۱۳۴۵، ص ۷۹۷)

آتش‌بازی، در عروسی پادشاه نیز رواج داشت؛ چنان‌که هزینه آتش‌بازی عروسی شاه عباس اول، هفتصد تومان بوده است (فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۲۱۲). در مجلس عروسی اسماعیل میرزا و دختر شاه نعمت‌الله یزدی، همه باغ چراغانی شده و بیش از هفتصد شمع مومی روشن بود و هنرمندان آتش‌باز، مشغول هنرنمایی بودند (اسکندر امیریگ ترکمان، ۱۳۷۰، ص ۱۳۶-۱۳۷). در هنگام چراغانی، تمام دکان‌ها باز بود و صاحبان آن در رقابت با یکدیگر، مغازه‌های خود را تزئین می‌کردند. اگر زنان درباری قصد تردد نداشتند از طریق پنجره‌ای که در اتاق آنان به همین منظور ساخته شده بود، نمایش‌ها را تماشا می‌کردند (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۶)، اما در صورت تردد شاهزادگان، باید مردان از دکان‌ها دور می‌شدند تا ایشان بتوانند به راحتی از مغازه‌ها خرید کنند. گاهی نیز مردان را مجبور می‌کردند در خانه بمانند و در عوض، زنان خود را به مغازه‌ها بفرستند

تا بانوان قصر برای خرید و تفرج به خیابان بیایند. (آصف، ۱۳۷۰، ص ۹۵ و دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸) در این اوضاع، حضور زنان طبقه متوسط به جای همسران خود به عنوان فروشنده، فرصتی برای کسب تجربه‌های جدید و رشد قابلیت‌های آنان بود که به نوعی، پذیرش تمایلات انتظام یافته اجتماعی بود که آنان را در فرایند تعامل با دیگران قرار می‌داد.

۵.۳. گردش در باغ شاه

باغ‌گردی پس از تماشای جشن‌ها و بازی‌های میدانی، نوعی سرگرمی بود. بدین گونه که زن و مرد پس از تماشای مسابقات، به باغ شاه رفته و پذیرایی می‌شدند؛ البته به شرطی که به درختان و گل‌ها دست نزنند (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۱۳۳). جالب آنکه در دوره شاه عباس اول، گردش در باغ‌ها، روزهای چهارشنبه به زنان اختصاص داشت (ملاجلال، ۱۳۶۱، ص ۳۶۱). این اقامت‌های کوتاه در باغ شاه یا تفرج‌های چند هفته‌ای در باغ‌های عمومی، برای زنان و کودکان بسیار مطلوب بود و برای زنان شهری، عرصه تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورد. در این گردهمایی‌ها، زنان با لباس‌های شاد در کنار جوی‌ها نشسته و مشغول صحبت می‌شدند. (رایس، ۱۳۶۶، ص ۱۶۱)

برپایی جشن و سرور در اعیاد ملی و فرهنگی، بهانه خوبی برای تفریح‌های عمومی بود. نوروز به عنوان یکی از مهم‌ترین آیین‌های باستانی در اول سال جدید بهاری، فرصت مغتنمی برای شادمانی و سرور به شمار می‌آمد. در این روز با شلیک چند گلوله توپ در آغاز سال نو و بلندشدن صدای شیپور و طبل (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۶۷)، همه جامه نو می‌پوشیدند و به دیدن دوستان و آشنایان می‌رفتند و بدین ترتیب مهمانی‌ها برپا می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰). بدون شک، مشارکت زنان در این دیدارهای عمومی و جشن‌های ملی، هم هویت ملی آنان را تقویت می‌کرد و هم موجب همگرایی و صمیمیت بین خانواده و خویشاوندان می‌گردید. به مفهوم دقیق‌تر، اگر میدان را به مثابه یک شبکه و یا روابط عینی بین موقعیت‌ها تعریف کنیم که کنشگران در آن، اشکال مختلف سرمایه را در اختیار دارند، این بانوان با تکیه بر سرمایه‌های فرهنگی و ملی خود در این میدان مشارکت داشتند.

در جمع‌بندی مطالب پیشین می‌توان گفت: اگرچه رگه‌هایی از بازنمایی و تثبیت موقعیت اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی مردان به واسطه جلوه‌گر ساختن نشانگان آن بر ظاهر زنان (اعم از پوشش، آرایش و زیورآلات) و تثبیت نابرابری‌های جنسیتی از طریق قرارداد ایشان در وضعیت استثنا نسبت به جریان غالب در فعالیت‌های فراغتی و بهره‌برداری از عرصه‌های عمومی به چشم می‌خورد، اما در عصر صفوی، به‌ویژه از دوران حکومت شاه عباس کبیر تا دهه‌های پایانی آن، زنان فرصت‌های خوبی برای حضور در عرصه‌های عمومی فراغتی خصوصاً در شهرها داشتند. بنابراین، توجه به این نکته اهمیت دارد که در امر تحلیل فراغت زنان، علاوه بر ساختارهای سیاسی و فرهنگی، باید به مناسبات خانوادگی آنان نیز توجه شود. زیرا سه عامل مهم فضا، وقت و فعالیت در اوقات فراغت، تحت الشعاع نقش‌های خانوادگی آنان قرار دارد. (Green, 1990, p136)

۶. محافل و برنامه‌های فراغتی کوچک‌مقیاس

۶.۱. مجالس مهمانی

میهمانی‌های دوستانه همواره یکی از علایق زنان ایرانی بوده و شرکت در آنها باعث پیوندهای اجتماعی می‌گردید. پخت شیرینی در خانه، خوردن آجیل و تخمه خربزه و کشیدن قلیان، از سرگرمی‌های این دوره‌ها به شمار می‌رفت. (رایس، ۱۳۶۶، ص ۱۵۵ و ۱۵۷)

استفاده از زیورآلات و جواهرات، لباس‌های فاخر، عطر و لوازم آرایشی متناسب با فرهنگ‌های بومی نیز در مجالس زنانه مرسوم بود (حجازی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۷). برخی از زنان، بر پره چپ بینی خود، حلقه‌ای چون گوشواره آویزان می‌کردند و همراه خود عطردانه‌هایی مملو از مشک و عنبر داشتند (همان، ۱۳۸۱، ص ۲۸۱-۲۸۲). آنان موهایی بلند داشتند که به طرز ساده‌ای آرایش می‌شد. البته خودآرایی در بین زنان حرمسرا، با غلظت و تنوع بیشتر و هزینه‌های بالا (لباس، زینت‌آلات و وسایل آرایشی) رواج داشت. به عبارت دیگر، مصرف تظاهری، نوعی هنجار بود و زنان حتی با لباس‌های خود، فخرفروشی می‌کردند؛ چنان‌که اگر خانمی با چادر یا لباسی مجلل به مهمانی می‌رفت، پس از آن، رقیبان او یک مهمانی

ترتیب داده، او را دعوت می‌کردند و مانند همان جامه را بر تن کنیزان خود می‌کردند تا رقیب را از میدان به در کنند (رایس، ۱۳۶۶، ص ۱۶۱). زیبایی ظاهر و لباس آن قدر برای زنان مهم بود که زنان حرمسرا، شاه را وادار به بازدید از کلیسا می‌کردند تا بدین طریق بتوانند زن‌های زیبای آرامنه را تماشا کنند (حجازی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۶). اما زنان کم‌بضاعت، از زینت‌آلات ارزان و ساده استفاده می‌کردند. (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶ و ۱۲۱)

شرکت در جشن‌های عروسی نیز از سرگرمی‌های زنان بود. در این مجالس، پس از موافقت خانواده عروس برای وصلت، آخوند، شرایط ازدواج را تکرار می‌کرد و زنان در یک اطاق دیگر مشغول صحبت و تفریح می‌شدند. (کارری، ۱۳۴۸، ص ۱۲۲)

در مراسم عروسی، زنان شمع‌های مومی به دست گرفته و با موسیقی و آواز، جهیزیه را به خانه داماد می‌بردند. پس از شب زفاف و حمام بران، برای میهمانان در دستمالی حنا می‌ریختند. در این مراسم، زنان در اتاقی جداگانه دو به دو می‌رقصیدند و نوازندگان پشت در بسته اتاق عروس، ساز می‌زدند. (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۱)

در تحلیل آداب و رسوم زنان در مهمانی‌ها می‌توان به دیدگاه جامعه‌شناسان درباره سرمایه‌های اجتماعی اشاره کرد که سرمایه را کالای ارزشمندی می‌دانند که در دسترس افراد حاضر در میدان باشد و بتواند برای آنان، تولید قدرت کند. (لسرد و همکاران، ۲۰۱۰)

۶.۲. دوره‌می در حمام

حمام به سبب اهمیت پاکیزگی در بین ایرانیان، جایگاه ممتازی داشت. رفتن به گرمابه‌های عمومی یکی از سرگرمی‌های زنان ایرانی از طبقات مختلف بود که علاوه بر حمام هفتگی یا ماهانه، به مناسبت‌های خاصی همچون مراسم عروسی و جشن‌های ملی (سال نو) و مذهبی به حمام می‌رفتند. (اولناریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۵۷)

حضور زنان در حمام به سادگی نبود؛ بلکه در حمام لباسی زیبا پوشیده و باشکوه، جلوه می‌کردند و لوازم آرایش و عطر و اسانس‌ها را نمایش می‌دادند (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۵ و نوابخش، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۳۹۲). کنیزان گرمابه آن قدر زنان دربار را ماساژ می‌دادند تا خوابشان

می‌برد (سانسون، ۱۳۴۶، ص ۶۲۹). خدمتکاران نیز به آرایش دست و ناخن، رنگ و اصلاح مو و درمان امراض پا می‌پرداختند. البته برخی ثروتمندان، در خانه خود حمام داشتند و آن را با سوخت زیادی گرم می‌کردند و ساعت‌ها در سربینه (رختکن)، قسمت گرم و سپس سرد حمام، به بذله‌گویی و شوخی می‌پرداختند. (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۵۹)

با توجه به مطالب پیشین می‌توان گفت زنان در حمام نیز از سرمایه‌های نمادین خود بهره می‌جستند. به مفهومی دیگر، تن‌نمایی و جلوه‌گری از طریق آرایش و لباس‌های زیبا، منجر به مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌بخشی به این کنشگران زیرک می‌شد.

۶.۳. بازی‌های ورزشی

ورزش‌های ایرانی مانند اسب‌سواری و بندبازی در حقیقت، بازی‌های ماهرانه‌ای بود که در بین زنان هم طرفدارانی داشت. طبق اسناد تاریخی، چون زنان ایرانی در سفر و جنگ بر اسب سوار می‌شدند، از کودکی آن را تمرین می‌کردند. در فرهنگ صفوی، اسب‌سواری در قالب نمایش نیز کاربرد داشت و زنان سوارکار به دلیل قابلیت‌های فردی خود (مهارت سوارکاری)، با لباس‌های زیبا در این نمایش‌های عمومی شرکت می‌کردند (حجازی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۴-۳۳۵ و مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴۷۳). سرمایه‌ای که برای آنان، احترام و منزلت اجتماعی تولید می‌کرد. جنگاندن نمایشی حیوانات به‌ویژه خروس نیز از تفنن‌های عمومی آن روزگار بود. اگرچه شرکت‌کنندگان در این مراسم، بیشتر مردان بودند، اما زنان هم در این فعالیت شرکت می‌کردند. آنان دور از میدان مسابقه ایستاده و گروه مورد علاقه خود را بر حسب پیروزی یا شکست، با فریادهای حاکی از شادی یا اندوه، یاری می‌کردند. (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۴۳ و ۵۷۳)

به نظر می‌رسد طبق ادعای گرین، فضای این نمایش، از مواردی است که چون تحت تاثیر عامل جنسیت تعریف شده است، محدودیت‌هایی را به دنبال دارد. (گرین، ۱۹۹۰، ص ۱۲۳)

بندبازی زنان در قالب یک هنر ورزشی-نمایشی نیز از تفریحات پرتطرفدار مردم بود. گزارش شده است که در یکی از این موارد، چهار زن روی شانه یکدیگر ایستاده بودند و زنی

که بالاتر از همه بود، کودکی در بغل داشت. سپس زن اول (که دیگران روی دوش او بودند)، درحالی که به تندی راه می‌رفت، زن دوم با حرکتی ناگهانی روی دوشش پرید. (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸)

۶,۴. شکار حیوانات

مراسم شکار حیوانات، یکی از سرگرمی‌های دربار و عموم مردم بود که زنان نیز برای تماشا و شکار در آن شرکت می‌کردند. رسم بود که اولین تیر توسط شاه پرتاپ می‌شد، اما برای شاهزادگان فرصت خوبی بود تا مهارت خود را به نمایش گذارند (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۹۹). بدین منظور، آنان برای استفاده از تیر و کمان و تفنگ، آموزش می‌دیدند و با کمال شجاعت، حیوانات درنده را تعقیب و شکار می‌کردند (سانسون، ۱۳۴۶، ص ۱۱۹). البته زنان شاه و دربار، در محل خاص به شکار می‌پرداختند؛ درحالی که حضور مردان، پیرامون شکارگاه ممنوع بود. (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۳)

شاید بتوان علت حضور بانوان در چنین تفریحات پرخطری را تلاش برای تحول جایگاه اجتماعی‌شان دانست؛ چنان که بورديو مدعی است عاملان اجتماعی، به اتکاء عادت‌واره‌هایی که با میدان و عرصه زندگی آنها تناسب دارد و با استفاده از سرمایه‌هایی که در میدان در اختیار دارند، دست به کنش می‌زنند و بسته به میزان برخورداری آنها از سرمایه و با توجه به مقتضیات میدان، علاوه بر اینکه منافع و مزیت‌های مورد انتظار خودشان را کسب می‌کنند، منجر به تحول در میدان خواهند شد.

۶,۵. موسیقی و رقص

در ایران عصر صفوی، موسیقی و رقص به عنوان یک سرگرمی رواج داشت. در بین شاهان صفوی، برخی مانند شاه اسماعیل دوم، به رقص و آواز خوانی علاقه داشتند؛ چنان که حافظ جلاجل را به مقام چالچی‌باشی رساند و بعضی مانند شاه طهماسب، که از همه مناهای توبه کرده بود، استاد حسین سرنائی را به زندان افکند. (غفاری فرد و نوایی، ۱۳۸۶، ص ۵۵)

نقل شده که شاه عباس اول، در عروسی خود رقص و پایکوبی کرد (اسکندر بیگ، ۱۳۷۰، ص ۱۳۸). حتی جشن‌های خلعت‌پوشی بزرگان را نیز زنان رقاصه و روسپی، گرم می‌کردند (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۴، ص ۶۱۸). در مسابقه انتخاب شاطر (راهوار شاه)، در طول مسیر، به محض نزدیک شدن دونه، نوازندگان می‌نواختند و مردم با گلاب از او استقبال می‌کردند. (همان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۹۷)

در مراکزی چون قهوه‌خانه‌ها و شربت‌خانه‌ها نیز رقص و موسیقی، معمول بود و رقاصه‌ها و پسران (با لباس زنانه) درحالی‌که پاهای خود را به خلخال زینت کرده بودند، جلب مشتری می‌کردند (حجازی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۱). تیم رقص و آواز در عروسی‌ها، اعیاد ملی و مذهبی نیز موجبات سرگرمی مردم را فراهم می‌آورد.

برخلاف برنامه‌های عمومی بزرگ‌مقیاس، در محافل، مهمانی‌ها و برنامه‌های کوچک‌مقیاس، زنان صرفاً تماشاگرانی منفعل نبودند و سهم مهمی از روند اجرایی و نقش‌آفرینی‌های محوری در این قبیل برنامه‌ها را نیز بر عهده داشتند. هرچند نمونه‌هایی از این‌گونه برنامه‌ها، که حضور توأمان مردان و زنان و مشارکت‌شان در پیشبرد آن را نشان دهد، اغلب محدود به دربار شاه‌ی و برخی محافل اشرافی در قلمروهای شهری بود.

۷. برنامه‌های آیینی و مذهبی

پادشاهان صفوی نسبت به برگزاری آیین‌های شیعی اهتمام خاصی داشتند؛ چراکه این نوع از مراسم علاوه بر ایدئولوژیک‌سازی برای دولت، همگرایی و یکپارچگی ملی را نیز در پی داشت (بیتس، ۱۳۷۵، ص ۶۷۷-۶۸۸). از این رو، مناسبت‌های مذهبی در عصر صفویه با تشریفات خاصی برگزار می‌شد. ضمن آنکه نهادهای دینی اعم از مدارس و حوزه‌های علمیه نیز با برگزاری آیین‌های شیعی، در این زمینه نقش پررنگی داشتند. در این دوره، برای رسمی شدن مذهب تشیع، حتی از مراسمی که بین شیعه و سنی محبوبیت داشت نیز استفاده شد. (فروغی، ۱۳۸۲، ص ۵۷) بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی از آیین‌ها مانند سوگواری روز عاشورا، از نظر کمی افزایش یافت و از یک روز به ده روز رسید (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۳۰۷) و بعضی مثل نماز جمعه، عید غدیر

یا عید برات، برای نخستین بار برگزار شد. (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۶۵ و کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰) به هر حال، اهتمام حکومت به برگزاری آیین‌های مذهبی، به تدریج موجب نفوذ این رسوم در فرهنگ عمومی جامعه و آمیختگی با زندگی روزانه آنان شد؛ چنان‌که هر سال در اردیبهشت در ماه محرم، نوجوانان در کوچه و خیابان دور هم جمع شده و با بیرق‌هایی بلند و فریاد یا حسین، به طرف مساجد و تکایا می‌رفتند. در سه شب آخر دهه اول محرم، مردان در زیر چادرهای بزرگ اجتماع کرده و با مشعل‌هایی که در دست داشتند، با فریاد و شیون، درحالی‌که خون به صورتشان آمده بود، عزاداری می‌کردند. (اولثاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۸۷) صفویان برای نخستین بار در تاریخ تشیع، به مناسبات ماه محرم و رمضان جنبه ملی و همگانی دادند. شاه خود مشوق تشکیل مجالس سینه‌زنی، سنگ‌زنی و روضه‌خوانی گردید و زمینه را برای پیدایش تعزیه‌خوانی فراهم ساخت. سنگ‌زنی در شهرهای مختلف، معانی متعدد داشت. عزاداران، دو تخته سنگ پهن می‌گرفتند و به آهنگ نوحه‌خوان‌ها آنها را به هم می‌کوبیدند که صدای یکنواختی ایجاد شود (رجایی زفره‌ای، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱). در این مراسم، شبیه چند تن از شهدای کربلا نیز با لباس‌های خون‌آلود (در تابوت) حضور داشتند. در شبیه‌خوانی، طرفین جدال با هم سخن می‌گفتند و اشیایی مثل درخت کوچک به نشانه نخلستان و مقداری آب به عنوان سمبل در صحنه حادثه به نمایش گذاشته می‌شد. این تطورات ادامه یافت تا منجر به پیدایش تعزیه گردید. دلاواله که در سال ۱۶۱۸ میلادی شاهد مراسم عزاداری بوده، می‌نویسد: «پس از اینکه روز دهم ماه محرم، یعنی روز قتل فرارسید... از تمام اطراف و محلات اصفهان... دسته‌هایی بزرگ با بیرق و علم و اسب‌هایی که عمامه‌های متعدد بر سلاح‌های آن قرار داشت، راه می‌افتاد. علاوه بر آن، چندین شتر با کجاوه‌هایی که کودکان به علامت بچه‌های اسیر امام حسین (علیه السلام) در آن بودند و تابوت‌هایی پوشیده به مخمل سیاه، دسته را همراهی می‌کرد». (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰)

زنان از هر طبقه‌ای، با چادرهای سیاه در مراسم سوگواری امام حسین (علیه السلام) شرکت می‌کردند. آنان با صورت‌های پوشیده، مواعظی که توسط ملایان و فقیهان در مجلس عزاداری ایراد می‌شد گوش می‌دادند، تحت تاثیر آن اشک می‌ریختند و با سیلی بر چهره

و با مشتش بر سینه خود می‌کوبند. آنها دوازده روز در خانه، مجلس عزای امام حسین علیه السلام برپا می‌کردند (فیگوئروآ، ۱۳۶۳، ص ۳۱۲) و با اهدای پول، نقره، حلوا و شربت گل، از وعاظ جلب خشنودی کرده و التماس دعا می‌گفتند. (کارری، ۱۳۴۸، ص ۳۱۲)

برخی از آیین‌های دیگری که جنبه مذهبی داشت و اوقات فراغت را پر می‌کرد، عبارتند از: قربانی در روز عید قربان (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸)، آیین آویخته دار (کارری، ۱۳۴۸، ص ۴۶)، برادرخواندگی (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۲-۶۴) و علم‌کشی (دلاواله، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۰-۷۱). همچنین مراسمی مانند آیین تعیین جنسیت، آیین بخشش و رهایی، نذر امام و آیین ابدال (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۷۶۱-۷۶۲) نیز در عین ارتباط با باورها و اعتقادات مردم، جنبه تفنن و سرگرمی هم داشت.

همان‌طور که بیان شد، در روزگار صفویه، اعیاد بزرگ اسلامی، که قبلاً به شکل نسبتاً ساده‌ای برگزار می‌شد، توأم با تشریفات خاص (چراغانی و پایکوبی) همگانی گردید. یکی از آنها، جشن پانزدهم شعبان یا روز برات بود که به اعتقاد ایرانیان، ملائک در آسمان، دفتری که نام زندگان در آنها ثبت است را می‌گشایند و به آنها برات از آتش می‌دهند (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۷۹). عید قربان در ماه ذی‌الحجه در تمام ممالک اسلامی برگزار می‌شد. در این مراسم معمولاً چهارپایان حلال‌گوشت را قربانی می‌کنند. همچنین در این ماه، شیعیان، عید غدیر، یعنی روز اعلام جانشینی علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را با شکوهی تمام جشن می‌گیرند. (اولتاریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۶۲)

بدین ترتیب می‌توان گفت: در ارتباط با برنامه‌ها و مراسم مذهبی در عصر صفوی، زنان حداقل دو نقش کلیدی را در این‌گونه برنامه‌ها ایفا می‌کردند: اول اینکه غالباً بخش مهمی از تدارکات و آماده‌سازی‌های مربوط به این مراسم، در قالب کارهای خانگی به زنان سپرده می‌شد. هرچند این فعالیت‌ها عموماً از چشم ناظران بیرونی پنهان می‌ماند، اما نقش پررنگی در برگزاری مراسم داشت. دوم جایگاهی که زنان در رونق‌دهی به این برنامه‌ها به‌ویژه در موقعیت تماشاچیان پرشور داشتند. البته در این مورد نیز نحوه اجرا و سامان‌دهی برنامه‌ها در بیشتر موارد به شکلی بود که زنان در جایگاهی ثانوی نسبت به مردان قرار گیرند.

۸. تفریحات نابهنجار

در کنار تفریحات سالم دوره صفویه، سرگرمی‌های مخرب نیز رواج داشت؛ چنان‌که گزارش شده شاه عباس دستور داد افرادی که در دورهمی‌های مختلط شبانه شرکت کرده‌اند، برهنه ساخته و مجازات کنند (اولناریوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۷۹۴). انواع دیگری از رفتارهای عمدتاً فراغتی نابهنجار نیز در بین درباریان و مردم عامه، طرفدارانی داشت که در ادامه، برخی از این موارد بررسی می‌شود:

۸.۱. پری‌داری

به نظر می‌رسد بیکاری، باورهای غلط و محرومیت از دانش، سبب تمایل زنان صفویه به سحر و جادو و رواج خرافات گردید تا آنجا که در حل مشکلات طبیعی خود مانند ازدواج، باروری، جنسیت فرزند و وضع حمل، به خرافات متوسل می‌شدند. از این رو موقعیت ساحره‌ها و قدرت نامرئی آنان در این دوره، رونق یافت. زنان معتقد به پری‌داری برای درمان بیماری‌های خود، ضیافتی ترتیب داده و با دعوت پری‌خوان به مجلس و پایکوبی، به زعم خود مشکلات را برطرف می‌کردند. یکی از باورهای خرافی این بود که اگر به ملای مکتب پول بدهند که شاگرد خلافکار را تنبیه نکند یا پرندگان را از قفس رها کنند، صاحب اولاد می‌شوند. (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۳)

۸.۲. استعمال تنباکو

ایرانی‌ها در مهمانی‌ها و جشن‌های خود قلیان می‌کشیدند، ولی علاقه زنان به استعمال تنباکو بیشتر از مردان بود، به طوری که کاسبی که باید روزی پنج شاهی خرج کند، سه شاهی آن را به مصرف تنباکو می‌رسانید (حجازی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶). تاورنیه نوشته است: «ایرانیان تنباکو را با دستگاهی کاملاً اختصاصی می‌کشند. در کوزه گلی دهان‌گشادی به قطر سه انگشت، تنه قلیانی از چوب یا نقره که سوراخی در وسط دارد قرار می‌دهند و بر سر آن، مقداری تنباکوی نم‌دار با کمی آتش می‌گذارند. در زیر قلیان، سوراخ ممتدی است که درحالی که نفس را

بالا می‌کشند، دود تنباکو با شدت از امتداد سوراخ پایین آمده و داخل آب که به رنگ‌های مختلف می‌آمیزد، داخل می‌شود. این کوزه مرتباً تا نصفه آب دارد. دود که در آب است به سطح می‌آید و هنگامی که نفس را بالا می‌کشند، از نی قلیان، دود به دهان وارد می‌شود. (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۶۲۹)

گزارش شده شاه عباس در مقابل اعتراض قهوه‌چی‌ها به فرمان منع استعمال دخانیات، دستور داد عاشقان (نوازندقیز) را در قهوه‌خانه‌ها استخدام کنند تا مردم سرگرم شوند (فاروقی، ۱۳۹۴، ص ۷۰۲). وی در مجلسی دستور داد به جای تنباکو، قلیان را با پهن چاق کنند. سپس از مهمانان پرسید: این تنباکو چگونه است؟ آنان همگی از تنباکو تعریف کردند. آن‌گاه شاه خطاب به آنان گفت: «مرده شوی چیزی را ببرد که نمی‌توان آن را از پهن تشخیص داد». سرانجام کار مخالفت شاه عباس بزرگ با تنباکو، به تحریم آن کشید. او وقتی در گرجستان متوجه شد سربازان او، پول خود را صرف کشیدن تنباکو و توتون می‌کنند، آن را ممنوع ساخت و تجاری را که توتون و تنباکو به اردوی او آورده بودند، با تنباکوی خود یک‌جا سوختند و سربازانی که مرتکب کشیدن توتون و تنباکو می‌شدند، بینی و لبانشان را می‌بریدند. (جعفریان، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۷۸۲)

۸.۳. مشروب‌خواری

طبق احکام اسلامی، نوشیدن شراب، حرام است؛ اما خصلت سلطنتی بودن حکومت، همواره زمینه‌ای برای فساد اخلاقی و در راس آن شراب‌خواری بوده است. (همان، ۱۳۷۹، ص ۳۶۸)

در میان پادشاهان صفوی، برخی مانند سلطان حسین، فرمان منع شرب خمر را صادر کرد (فندرسکی، ۱۳۸۸، ص ۸۳)، ولی برخی در مجالس، بساط شراب‌خواری را می‌گسترانیدند و به عامه نیز اجازه نوشیدن می‌دادند. بنابراین، مردم در صورتی که پادشاه اجازه می‌داد، مشروب می‌نوشیدند. گاهی پادشاه در حالت شادی، اعلانی صادر می‌کرد که تا سه روز هرکس مختار است که به قدر میل شراب بخورد، ولی بعد از آن سه روز اگر کسی را در حالت مستی

می‌دیدند، سر او را می‌بریدند؛ درحالی‌که عیسوی‌ها و آدم‌های شاه همیشه در خوردن شراب مختار بودند و پس از مراسم شکار نیز شراب می‌نوشیدند و به رقص و آوازه‌خوانی می‌پرداختند (شرلی، ۱۳۷۸، ص ۶۸). جالب‌تر آنکه اگر فردی در مجلس شاهان از خوردن شراب خودداری می‌کرد، به اصرار شاه به او شراب می‌نوشاندند. (نصرآبادی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۲)

کاسه سر شد قح از گردش دوران مرا دارد این دیر خراب‌آباد سرگردان مرا

(خواندمیر، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴)

در ارتباط با نمونه‌های بررسی‌شده از برنامه‌ها و رفتارهای فراغتی نابهنجار، دو دریافت اصلی، قابل صورت‌بندی است. نخست اینکه برخلاف انتظار، حضور و مشارکت زنان در چنین رفتارهایی در عصر صفوی، رواج قابل توجهی، هرچند نه در مقیاس برابر با مردان، چه در محافل شهری و چه در محیط‌های روستایی، داشته است. دوم اینکه چنین برنامه‌هایی در بستری از به‌هم‌ریختگی ادراکی پیرامون موقعیت‌ها و نقش‌های رسمی و علنی اجتماعی رخ می‌داده است که آمیزه‌ای از چالش‌های مختلف در موقعیت‌های رسمی را برای زنان به دنبال داشته است. مثلاً سخت‌گیری برای حضور اجتماعی زنان، تا حدی ناشی از مفروض‌انگاشتن گسترش رفتارهای نابهنجار در صورت نقش‌آفرینی گسترده زنان در بیرون از اندرونی‌های تحت کنترل و حفاظت مردان بوده است.

نتیجه‌گیری

چگونگی سپری کردن اوقات فراغت، یکی از مؤلفه‌هایی است که بر پایه آن می‌توان با فرهنگ حاکم بر جامعه و سبک زندگی مردم در دوره‌های مختلف آشنا شد. نوع تفریحات، ابزار و مکان‌های آن و میزان مشارکت افراد در سرگرمی‌های رایج، بستگی به عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد.

پادشاهان صفوی در طول بیش از دو قرن حکومت خود توانستند با ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی، موجب افزایش کمی و کیفی سرگرمی‌ها در بین ایرانیان شوند که زنان نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

زنان جامعه صفوی از حیث قشربندی، به دو دسته شهری و روستایی - عشایری تقسیم می‌شوند. البته شهری‌ها شامل اشراف - درباری، قشر متوسط و یک اقلیت فرودست شهری هستند. زنان متوسط شهری به کار خانگی، بچه‌داری، هنرهای دستی از جمله: قالی‌بافی، گلیم‌بافی، خیاطی و... اشتغال داشتند، اما بانوان در روستا علاوه بر خانه‌داری و فرزندداری، به دامداری، کشاورزی و تولید فرآورده‌های لبنی نیز مشغول بودند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اگرچه زنان درباری از امکانات تفریحی بهتری برخوردار بودند، ولی زنان شهری و روستایی نیز از تماشای مسابقات ورزشی (اسب‌سواری)، نمایش‌های میدانی (چوگان‌بازی)، حضور در جشن‌های ملی (عید نوروز) و مراسم مذهبی (عید غدیر) لذت می‌بردند. همچنین شرکت در مهمانی‌های خصوصی (عروسی) و حمام‌ها همراه با آرایش، پوشیدن لباس‌های فاخر و زیورآلات، برای آنان جنبه سرگرمی داشت. بازارگردی زنان نیز زمینه‌ای برای شکل‌گیری جمع‌های زنانه در قلمرو بازار، چانه‌زنی‌ها، پرسه‌زنی‌ها و گفت‌وشنود با کاسبان مرد و تجربه‌های دیگر بوده است.

فرصت کسب مهارت‌های لازم مانند تیراندازی و اسب‌سواری در اجرای مسابقات و نمایش‌ها نیز برای زنان مهیا بود. البته برخی از زنان در کنار تفریحات سالم، به انحرافات مانند مشروب‌خواری، قمار و انجام مراسم خرافی چون پری‌داری نیز مشغول بودند. همچنین مراسم شکار حیوانات، یکی از سرگرمی‌هایی بود که زنان در آن شرکت می‌کردند. شاید علت حضور بانوان در چنین تفریحات پرخطری، تلاش برای تحول جایگاه اجتماعی آنها بوده است. حضور زنان در حمام با لباس‌های زیبا و باشکوه و لوازم آرایش و عطر و اسانس‌ها، نوعی سرگرمی و تفریح محسوب می‌شد. در قهوه‌خانه‌ها و شربت‌خانه‌ها، رقص و موسیقی باعث سرور و شادمانی و عامل جذب مردم بود. رقاصه‌ها و پسران (با لباس زنانه) درحالی‌که پاهای خود را به خلخال زینت کرده بودند، در این مکان‌ها به رقص و پایکوبی مشغول بودند. گردش در باغ شاه و باغ‌های زیبا و مفرح اصفهان، برای مردان و زنان و کودکان بسیار دلنشین و جذاب بود. اقامت‌هایی کوتاه و گاهی طولانی که زمینه ارتباطات اجتماعی را فراهم می‌کرد. به نظر می‌رسد تفریحات زنان در عصر صفویه از جهت کمی افزایش یافته است؛ زیرا آنان

در کنار خانواده خود در جشن‌های ملی و مذهبی مانند عید غدیر، که برای اولین بار با شکوه و جذابیت بسیار برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند.

با توجه به افزایش ایام عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام) به دستور شاهان صفوی و گرایش‌های مذهبی زنان برای حضور در این مراسم، می‌توان گفت زنان، وقت بیشتری نسبت به گذشته در مجالس عمومی صرف می‌کردند. رونق اقتصادی و رفاه عمومی در عصر صفویه سبب توجه و علاقه زنان به لباس‌های فاخر و زیورآلات شده بود که موجبات سرگرمی آنها را در مهمانی‌ها فراهم می‌آورد. در این میان، پادشاهان نیز برای جلب محبوبیت مردمی، به مناسبت‌های مختلف در قصرهای خود مراسم عمومی برپا می‌کردند که زنان نیز در این مجالس شرکت می‌کردند. می‌توان گفت: عصر صفوی برای زنان ایرانی، آن‌گونه که در تعبیر هریس (۱۳۹۳) از امر فراغتی آمده است، دوران فراگیر شدن تجربه‌های مشترک فراغتی در محیط‌های شهری و روستایی است. این تجربه از فراغت، هم‌خوانی ویژه‌ای با الگوی تقسیم کار جنسیتی در جامعه آن عصر دارد که به تعبیر دورکیم (۱۳۸۴)، ماهیتی نه چندان پیچیده داشته است و بر طبق آن، زنان در فعالیت‌های فراغتی مردان، در جایگاه تماشاچیان مشتاق قرار می‌گرفته و یا به امور فراغتی اختصاصی‌شان در دور از چشم مردان مشغول می‌شده‌اند. علاوه بر این، بر مبنای رویکرد بوردیو (۱۳۹۵)، سلیقه زنان در قشرهای مختلف اجتماعی جامعه عصر صفوی نسبت به امور فراغتی، تا حد زیادی تعلق طبقاتی ایشان را بازنمایی می‌کرده است؛ به طوری که بر مبنای آن می‌توان جایگاه زنان در طبقات اجتماعی مختلف را درک کرد.

در یک جمع‌بندی کلی و بر پایه توان تحلیلی حاصل از به‌کارگیری چشم‌انداز مفهومی و نظری جامعه‌شناسان درباره میدان‌های اجتماعی و منطق حاکم بر آنها، می‌توان در عصر صفوی گستره تحقق امر فراغتی را در قامت میدانی اجتماعی در نظر گرفت که شدیداً متأثر از میدان قدرت است و توسط آن کنترل می‌شود.

ساختار این میدان، با رسمیت‌بخشی به موقعیت‌های نابرابر جنسیتی، زنان را به سمت قرارگیری در وضعیت‌های منفعلانه هدایت می‌کرده است. ترکیب پیچیده‌ای از سنن مذهبی، در کنار علایق و گرایش‌های قومی جاری در دربار شاهی و تشکیلات دیوانی و نظامی و

همچنین برداشت‌هایی با واسطه از فرهنگ ملل پیرامونی و جوامع دوردست (که به واسطه جنگ‌ها و یا مراودات تجاری با آنها، حدی از آشنایی حاصل می‌شد)، منطقی چندسطحی و چندوجهی را بر میدان فراغت حاکم می‌ساخت که در کنار الزام‌آفرینی‌های ساختاری برای زنان، حدودی از فرصت‌ها را برای عرض اندام و نقش‌آفرینی در فراسوی محدودیت‌های موجود نیز پیش روی ایشان قرار می‌داد.

در واقع، بخشی از نخستین روزنه‌ها برای امکان پذیر ساختن حضور اجتماعی بالنسبه مستقل و ماجراجویی‌های مرتبط با آن، در میدان فراغت برای زنان عصر صفوی فراهم آمد که بعدها به‌ویژه از عصر قاجار به این سو، نه تنها در آن میدان، بلکه در مجموعه درهم‌تنیده‌ای از میدان‌های اجتماعی رقیب و همچنین در سطحی کلان‌تر، در میدان قدرت نیز موجبات بازتعریف منطق و ساختارهای حاکم را به نفع نقش‌آفرینی‌های موثرتر زنان فراهم ساخت.

فهرست منابع

۱. آصف، محمد هاشم (۱۳۴۸ق)، *رستم التواریخ*، به اهتمام: محمد مشیری، تهران: تابان.
۲. اسکندربیک، منشی ترکمان (۱۳۷۰ش)، *عالم‌آرای شاه طهماسب*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.
۳. افوشته‌ای نطنزی، هدایت‌الله (۱۳۷۳ش)، *نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخیار*، به کوشش: احسان نراقی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۴. اولئاریوس، آدام (۱۳۶۹ش)، *سفرنامه آدام اولئاریوس*، ترجمه: حسین کریم، بی‌جا: شرکت کتاب برای همه.
۵. ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰ش)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، دوره ۳، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
۶. بوردیو، پیر (۱۳۹۵ش)، *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه: حسن جاوشیان، تهران: نشر ثالث.
۷. بیتس، دانیل (۱۳۷۵ش)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، تهران: انتشارات علمی.
۸. پوراحمد، احمد و سالاروندیان، فاطمه (۱۳۹۱ش)، «روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تا کنون در شهر تهران»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۵۱-۷۴.
۹. تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۳۶ش)، *سفرنامه*، ترجمه: ابوتراب نوری، اصفهان: چاپخانه پروین.
۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۷۹ و ۱۳۹۱ش)، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. جلایی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۸ش)، *نظریه متأخر جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
۱۲. حجازی، بنفشه (۱۳۷۶ش)، *به زیر مقنعه*، تهران: نشر علم.
۱۳. _____ (۱۳۸۱ش)، *ضعیفه*، تهران: قصیده‌سرا.
۱۴. خواندمیر، امیرمحمود (۱۳۷۰ش)، *ایران در روزگار شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی*، به کوشش: غلامرضا طباطبایی، تهران: بی‌نا.
۱۵. دلاواله، پیتر (۱۳۸۰ش)، *سفرنامه*، ترجمه: محمود بهفروزی، تهران: قطره.
۱۶. دنیاری، سکینه (۱۳۹۴ش)، «وضعیت اجتماعی زنان در عهد صفوی با تکیه بر دیدگاه سفرنامه‌نویسان»، *فصلنامه جندی‌شاپور*، سال اول، ش ۳، ص ۲۳-۳۹.
۱۷. دهقانی، فاطمه؛ دادور، ابوالقاسم و داودی، ابوالفضل (۱۳۹۴ش)، «سیر تحول اوضاع اجتماعی و فرهنگی زنان در عصر صفوی و قاجار»، *کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست: افق‌های آینده*، نگاه به گذشته، تهران. https://www.civilica.com/Paper-ICAUCAE01-ICAUCAE01_1764.html
۱۸. دورکیم، امیل (۱۳۸۴ش)، *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۱۹. رایس، کلارا کولیور (۱۳۶۶ش)، *سفرنامه زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه: اسدالله آزاد، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۲۰. رجایی زفره‌ای، محمد حسن (۱۳۸۱ش)، *دفتر تعزیه*، بی‌جا: انتشارات نمایش.
۲۱. رجبی، محمد حسن (۱۳۹۴ش)، *فرهنگنامه زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه*، تهران: انتشارات سروش وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۹۰ش)، «فراغت و ارزش‌های فرهنگی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۴، ش ۱، ص ۱۵۱-۱۹۰.
۲۳. ریاحی، محمد امین (۱۳۶۸ش)، *سفارتنامه ایران*، تهران: نشر توس.

۲۴. ریتزر، جورج (۱۳۹۳ش)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۵. سانسون، نیکلا (۱۳۴۶ش)، *سفرنامه سانسون*، ترجمه: تقی تقضلی، تهران: بی‌نا.
۲۶. شاردن، ژان (۱۳۷۴ش)، *سفرنامه*، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.
۲۷. _____ (۱۳۴۵)، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
۲۸. شجاع، عبدالمجید (۱۳۸۴ش)، *زن، سیاست و حرمسرا در عصر صفویه*، سبزوار: امید مهر.
۲۹. شرلی، آنتونی و شرلی، رابرت (۱۳۶۲ش)، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه: علی دهباشی، بی‌جا: نگاه.
۳۰. شفیع، سمیه سادات (۱۳۹۳ش)، «نگاهی جامعه‌شناختی به فراغت زنان در عصر قاجار»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۶۶، ص ۲۴۸-۲۰۰.
۳۱. شولتس، راینهارد (۱۳۹۱ش)، *نگاهی نوبه تاریخ جهان اسلام*، ترجمه: امیربهرام عرب احمدی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۲. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴ش)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمورتا مرگ شاه عباس اول*، تهران: فرانکلین.
۳۳. فروغی، اصغر (۱۳۸۲ش)، «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در روزگار صفویه»، *مشکوه*، ش ۸۱، ص ۶۳-۷۷.
۳۴. فکوهی، ناصر و انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲ش)، «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی؛ نمونه موردی: دو دبیرستان دخترانه شهر تهران»، *مجله انسان‌شناسی*، دوره ۲، ش ۴، ص ۸۹-۶۱.
۳۵. فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳ش)، *زندگی شاه عباس اول*، تهران: دانشگاه تهران.
۳۶. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا*، ترجمه: غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
۳۷. کاری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸ش)، *سفرنامه کاری*، ترجمه: عباس نخجوانی و عبدالعلی کاررنگ، تبریز: اداره‌کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۳۸. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه*، ترجمه: کیکاوس جهانگیری، تهران: خوارزمی.
۳۹. کوئن، بروس (۱۳۷۰ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلام‌عباس توسلی، تهران: سمت.
۴۰. ملاجلال، منجم (۱۳۶۶ش)، *تاریخ عباسی*، به کوشش: سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا: نشر وحید.
۴۱. مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹ش)، *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی*، تهران: آفرینش.
۴۲. نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۱۷ش)، *تذکره نصرآبادی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۳. نوابخش، ع (۱۳۵۹ش)، *زن در تاریخ*، تبریز: رفعت.
۴۴. نوایی، عبدالحسین و غفاری‌فرد، عباسعلی (۱۳۸۶ش)، *تاریخ تحولات سیاسی اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران: نشر سمت.
۴۵. هریس، دیوید پی (۱۳۹۳ش)، *مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت*، ترجمه: محمدسعید ذکایی و سنا چاوشیان، تهران: نشر تیسرا.